



بلوغ و بحران هویت در دوران نوجوانی و نقش آن در دوست یابی

مصطفی کشاورز

وابستگی سازمانی نویسنده اداره آموزش و پرورش

mostafakashavarz92@gmail.com آدرس پست الکترونیک نویسنده

سروناز میرزایی

mostafakashavarz92@gmail.com آدرس پست الکترونیک نویسنده

اسمعیل محمد جانی

چکیده

دوره نوجوانی، دوره ای است که فرد کودکی را پشت سر گذاشته و وارد مرحله جدیدی از زندگی خود می شود؛ نوجوانی و جوانی یکی از مهم ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود و آخرین مرحله تحول شناختی و گذار از مرحله "پیرو دیگران بودن" است. در این دوره فرد به بلوغ می رسد و در پی کشف هویت خود می باشد. هر یک از این تغییرات می تواند یک عامل بحران را برای نوجوان محسوب گردد. هویت در نوجوانی این است که بداند کیست، چیست، از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟ بلوغ و بحران هویت بدون شک مهم ترین آسیب اجتماعی ایران است که در این دوره نمود پیدا می کند. در این راستا در این مقاله نخست به تعریف دوره نوجوانی و بلوغ و برخی ویژگی های آن و به تعاریفی از هویت و انواع آن و دوست یابی و شرایط آن در این دوره اشاره می شود و سپس مبانی نظری، پیامدها و عوامل بحران هویت و دوست یابی مطرح می گردد و در خاتمه نتایج حاصله ارائه می شود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی بلوغ و بحران هویت می باشد و بر آن است تا با شیوه ی توصیفی - کتابخانه ای به بیان این موارد بپردازد. واژگان کلیدی: بلوغ، بحران، هویت، نوجوانی، دوست یابی

مقدمه

نوجوانی و جوانی یکی از مهم ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود و آخرین مرحله تحول شناختی و گذار از مرحله "پیرو دیگران بودن" است. دوره ای که نوجوان به هویت واقعی خودش دست می یابد. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است. نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سر گذاشته، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویش است.

نوجوانی، دوران شکل گیری هویت است. در این دوران، نوجوان می کوشد بین "خود درونی" و دنیای بیرونی خویش تمایز قائل شود. اریکسون این دوران را دوران بحرانی نامیده است. یعنی دورانی که نوجوان به دنبال هویت خود و هدفمند کردن زندگی و احساس مفید بودن است. اگر این دوران به درستی سپری شود و نوجوان در کسب هویتی سالم توفیق یابد، احساس هدفمند بودن زندگی در او ایجاد خواهد شد. چنانچه نتواند هویتی سالم را در خود شکل دهد از احساس تنهایی و از خودبیگانگی رنج خواهد برد و این ناشی از شکست او در تعیین نقش اجتماعی خویش است.

در میان روانشناسان، اریکسون بر بحران هویت و آشفتگی هویت تاکید می کند. از نگاهی دیگر بحران هویت این گونه تعریف شده است: "عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از اینکه به علت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می کند که بحران هویت یا گم گشتگی نام دارد". دکتر شرفی (۱۳۸۱) در زمینه